

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجنیا - ۱۳ نومبر ۲۰۱۳

برگرد

برگرد و چکامه شاد هستی را در لوح لحظه های تلخم تحریر بنما؛
شاید دیدارت ظلمت ابرهای غمین را از گستره آسمان نگاه سرگشته و حیرانم، باز بزدايد
و روانم دمی بیاساید.

آن گاه که دلم در بی تو بودن میگرید، به پنجره ها نزدیک میشوم و رمز رود جوشان
اشکهای ناصبورم را، از تکرار نفسهای تندم روی رخسار غبارآلود شیشه ها میجویم.
چون تنها جایی که آرامش و خلوت خواستی دلم را برهم نمیزند و ریشه های حافظه ام
را با ذکر یگانه معبودم پیوند میدهد، پناه بردن به پنجره ها و شیشه هاست.

بعد از رفتنت آواز دلگیر باران همنوای گریه های دل من است.
بعد از رفتنت ستاره های آرامش دیگر به سلام من نیامدند و تنها روان سراسیمه و
پریش خود من بود، که به شهر مجهول تنهائیم سفر نمود، تا برگ سبز یادهای ترا در
میان شاخه های بهم ریخته ذهنم بجوید.

برگرد!

تا سرود شورانگیز زندگانی را بار دگر از اهتزاز تارهای روحناز زمان حس کنم و تا
نهایت آسودگی رَسَم. من در بلور صاف ثانیه ها تا لحظه های برگشتت، چشم انتظار
میدوزم.

(ناهید "غزل" غنی زاده، ۱۱ نومبر ۲۰۱۳)